

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۳۰ اکتوبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

سرگذشت سرود ملی افغانستان

(حکایت آمل، ترس‌ها و دروغ‌های حاکمان سیاسی)

اولین سرود ملی در زمان امان‌الله خان ساخته شده بود که به "سرود امانی" معروف بود. بعد از آن شش‌بار همراه با تغییر رژیم، سرودهای تازه معرفی شد. در بین سرودهای هفت‌گانه، دوتای‌شان تک بوده‌اند یکی سرود امانی که یک‌قطعه موسیقی کوتاه یک‌دقیقه و سی‌وهفت ثانیه‌ای بدون کلام اما گرم، آرام و باوقار بود. بدون لاف‌وپتاق کلامی. آن قطعه که به سبک موسیقی کلاسیک اروپا توسط خالد رجب بیگ، استاد ترکی مکتب صنایع و موزیک در کابل ساخته شده بود و زمزمه‌های انگشتان بتهوون را به‌گوش آدم زنده می‌کرد، هیجان خلق نمی‌کرد بلکه به آرامش و تفکر و می‌داشت (لینکش در کمند). دومین سرود تک از طالبان بود که موسیقی نداشت و سراسر لاف‌وپتاق آزادی، ملی‌گرایی و استقلال بود (این خانه شهیدان، این خانه دلیران را با خون سرخ خود حفاظت می‌کنیم). تفاوت این دو نشان می‌دهد که سرود ملی برآستی روحیه و وضعیت حاکمان زمان را انعکاس می‌دهد و ما با دقت به این سرودها می‌توانیم خلاصه تاریخ معاصر کشور خود را مرور کنیم.

از سرود امان‌الله خان شروع می‌کنیم. او چون استقلال را گرفته بود و برای استقرار جامعه مدرن تلاش می‌ورزید، علاقه‌مند به پخش آرامش و تفکر بود. بعد از او دوران کوتاه حبیب‌الله کلکانی بی‌سرود گزارش شده است. در دوران نادرخان می‌گویند به‌جای سرود امانی، یک مارش نظامی پخش می‌شد. او جنرال بود، با سرنیزه آمده بود و سرودش نیز نظامی بود. در زمان ظاهرشاه از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۷۳ سلام شاهی به‌جای سرود ملی استفاده می‌شد. در سلام شاهی، شاه از زبان ملت، غیور و مهربان خوانده شده بود. از زبان مردم گفته شده بود که ما مطیع شما، فرزند شما، فداکار

شمائیم ای شاه ملت خواه! ترس ظاهرشاه مثل هر شاه دیگر از احتمال سرپیچی بود. او مردم را به اطاعت و فداکاری فرا می خواند. از شعارهای ملی گرایانه، آرمانی و مذهبی خبری نبود.

اولین بار شعار وحدت ملی، جاویدانی، ملت و جمهوریت در زمان داوودخان سرود ملی شد. در سرود داوودخانی گفته شده بود تا وقتی زمین و آسمان است، تا وقتی این جهان آباد است، تا زمانی که در جهان زندگی جریان دارد افغانستان پایدار خواهد بود، ملت افغانستان پایدار خواهد بود، جمهوریت و وحدت ملی پایدار خواهد بود. در واقع ترس هائی که امروز ما از فروپاشی داریم در زمان داوودخان آغاز شده بود. او و همراهانش متوجه شده بودند که تفرقه، بنیادگرایی، تندروی و نفاق قومی فوران خواهد کرد. در زمان او اولین دسته های شورشی از پاکستان آمده چند جای جنگ راه انداختند. احزاب قومی، مذهبی، ایدئولوژیک آستین بالا زده بودند تا وطن را "سقف بشکافند و طرح نو در اندازند."

در سال ۱۹۷۸ خلقی ها، یکی از گروه های متعهد به شکافتن سقف وطن، حاکم شدند و آزادی های حداقلی مردم را گرفتند. بعد استقلال را هم به باد دادند. اقتصاد و زیربنا در درگیری های طرح نو بسیار آسیب دید. اما این گروه خیالاتی و کننده از واقعیت ها به زمین نمی دید. از آفتاب سخن می گفت: گرم شو، گرم تر شو ای آفتاب مقدس! ای آفتاب آزادی، ای آفتاب خوشبختی!

استقلال چند بلیست افغانستان را نگه داشته نتوانسته بودند ولی از بین الملل گز می کردند (مور په نړیوالو کی/ سوله او وروری غواړو). هر روز بم می ریختند و خانه های مردم را ویران می کردند ولی در سرود ملی خود فریاد می زدند که برای کارگران و زحمت کشان خانه می خواهیم، لباس می خواهیم (کور غواړو، کالی غواړو).

بعد از آنان، مجاهدان با افکار فیودالی خود رسیدند که سرودشان پر از کلمات قلعه، زادگاه، خاک، سنگر، تیغ، جهاد، زنجیر، قرآن و الله و اکبر بود (قلعه اسلام و قلب آسیا/ جاودان، آزاد خاک آریا). این دو مصرع اول تصویر کامل از محتوای سرود حکومت ربانی می دهد. حکومت او نماینده گروه های دهاتی، مسلمان و قوم گرا بود. در واقع ترسی که در سرود ملی داوودخان به شکل نفی مطرح شده بود، در زمان خلقی ها عریان شد و در زمان مجاهدین به اوج رسید و بعد از آن جوشیده آمد تا امروز. این سرود تغییر بنیادی در هویت حکومت را نشان می داد. یک بار کلمه افغانستان در وسط سرود ذکر شده بود، اما مهم ترین کلمه هویتی-نژادی در آن آریا بود و زبان سرود که فارسی بود (سرود برای دومین بار فارسی شده بود- بار اول در زمان ظاهرشاه). از این به بعد جنگ قومی و زبانی زیر بیرق اسلام مهم ترین بخش تاریخ ماست. این جنگ را صدامت ربانی شروع نکرده بود و از بسیار سال ها قبل جریان داشت. اما از آن پس عریان و بیرقی شد، جای ایدئولوژی ها و آرمان های چپی و راستی را گرفت و ذات سیاست گردید.

طالبان که زاه آن دوران پرتلاطم جنگ های قومی و نفاق های زبانی بود، اگرچه از مدارس و با شعارهای ایدئولوژیک وارد معرکه شدند ولی ترانه شان حتی کمتر از ترانه جمهوری کرزی و کمتر از سرود ربانی اسلامی بود. ترانه طالبان به سرود ملی جمهوری داوودخان بیشتر شباهت داشت تا ترانه اسلامی ربانی. این ترانه را اگر گروه افغان ملت هم می نوشت جای تعجب نداشت. شاه فرد ترانه داوود خان در ترانه طالبان انعکاس یافته بود. داوود خان گفته بود: "تا زمانی که درین جهان زندگی است/ تا زمانی که یک افغان باقی است/ همیشه این افغانستان خواهد بود" (خو چی ژوند پر دی جهان وی/ خو چی پاتی یو افغان وی/ تل به دا افغانستان وی). طالبان گفته اند: تا زمانی که زنده ایم تاریخ تو را به یاد می سپاریم/ تا زمانی که زنده ایم، این جا بازان به سر خواهند برد (خو چی وی ژوندون زمونر ستا تاریخ به یاد ساتو، خو چی وی ژوندون زمونر دی کښې به بازان اوسی).

جالب است که ترانه طالبان از نظر وزن به سرود خلقی‌ها شباهت دارد: ای د آزادی لمره/ ای د نیکمرغی لمره (خلق‌ها). دا د زمریانو کور/ دا د باتورانو کور (طالبان). اولی را سلیمان لایق سروده بود. دومی را گمان نمی‌کنم او سروده باشد.

اما هرچه هست، سرود طالبان جز کلمه "شهید" که یکبار با محتوای قومی-وطنی به‌کار رفته است، از اصطلاحات جهادی-اسلامی خالی است و بیشتر به سرود ملی‌گرایان پشتون می‌ماند که در آن وطن لعل دارد، خانه باتوران و بازان است، قربان وطن می‌شویم {نه قربان اسلام}، از انگریز آزادش کردیم و از روسان آزادش کردیم و همه می‌دانند که این‌جا خانه افغانان است.

با رفتن طالبان، داغ‌های زیادی بر پیکر افغانستان مانده بود. داغ تفرقه قومی و زبانی از همه عمیق‌تر بود. اگر این‌گونه نمی‌بود، همه "مبارزان اسلام"، "دمکرات‌های لیبرال"، و حتی "چپ‌های سرخ" برای رهائی از شر همدیگر زیر چین امریکا و ناتو پناه نمی‌بردند. همه رهبران و قومندانان سیاسی بدون جنجال زیاد تأیید کردند که ما بدون سرپرست خارجی قادر به همکاری نیستیم. توافق‌نامه بن را امضاء کردند و بعد از چند سال سرود ملی جمهوری اسلامی خود را نیز بعد از کشمکش‌ها بیرون دادند. این سرود نیز مثل ترانه‌ها و سرودهای گذشته روح جامعه سیاسی را عریان می‌کرد و نشان می‌داد که سیاستمداران حاکم از چه می‌ترسند و درگیری اصلی‌شان چیست؟ قومیت و زبان.

در دوره بیست‌ساله حاکمیت جمهوری اسلامی زیر سرپرستی امریکا هیچ امری به‌اندازه زبان و قومیت مسأله نبود. اسلام، ایدئولوژی، آرمان، وطن، آزادی، دمکراسی، رفاه، استقلال و پیشرفت همه در خورجین‌های قوم‌گرایی و زبان‌گرایی ریخته شده وارد بازار گردیدند. همه این‌ها کارت و ابزار بازی برای تثبیت جایگاه قومی و زبانی طرف‌های درگیر سیاست بود. مردم حساب‌شان در بسیاری موارد جداست. طبیعی است که درین فرصت کسانی درس خواندند، نوشتند، کار و سرمایه‌گذاری کردند و مایه‌های دمکراسی و آزادی را خلق کردند. نظامی به‌وجود آمد که اگر فرصت می‌یافت چتری برای زندگی حداقلی می‌شد. اما، در بالا و میان سیاستمداران هیچ یکی ازین‌ها در اولویت نبود. قوم ایمان بود. قوم دمکراسی بود. قوم آزادی بود. همین‌طور زبان.

برای اولین بار در تاریخ افغانستان نام اقوام در سرود ملی گنجانده شد که این وطن خا‌ه همه است؛ از بلوچ، از ازبیک، از پشتون، از هزاره، از ترکمن و از تاجیک و دیگران. آوردن کلمه دیگر بعد از تاجیک حکایت از ذهنیت فاجعه‌بار قوم‌زده در سرود ملی داشت که مردم کشور را به اقوام درجه یک، درجه دو، درجه سه و بی‌درجه تقسیم کرده بودند. چهار قوم اصلی قبل از کلمه دیگر ذکر شده بودند و برای پنهان کردن این ذهنیت قوم‌زده نام دو قوم و غیره {ترکمن و بلوچ} را نیز در جمع‌شان افزوده بودند. ولی واقعیت این بود که غیر از پشتون، تاجیک، هزاره و ازبیک در جمهوری اسلامی اقوام دیگر به رسمیت شناخته نمی‌شدند. کسانی که قوم‌شان معلوم نبود یا قوم برای‌شان مهم نبود، از رده آدم‌های حساب‌شدنی بیرون انگاشته می‌شدند.

زبان سرود ملی تا هنوز مسأله است و کسانی به همین دلیل، آن را سرود قوم پشتون می‌خوانند. درحالی که آن سرود، ترانه تمام قوم‌گرایانی بود که تیکه‌داری چهار قوم را می‌کردند. در سرود ملی جمهوری اسلامی کُری و غنی از سرود ملی ربانی الله اکبر، و از سرود داوود خان و ترانه طالبان همیشه می‌درخشد (تل خلپری) راه یافته بود. زبان حامل تاریخ ماست. ترانه‌ها آمال و ترس‌های ما را و هویت سیاسی گروه‌هایی را که می‌کوشند زیر بیرق‌ها و شعارها پنهان شوند، آشکار می‌کند.

وقتی فردا، به خیر افغانستان دمکراتیک را ساختید مثل امان الله خان چیزی تدوین کنید که آرام گرفتن و فکر کردن را تداعی کند. حکایت از اعتماد به نفس ملت داشته باشد و آنان را به حلقه‌های قومی، زبانی و مذهبی دست‌بندی نکند.

لینک سرود امانی را در کمنت می‌گذارم. آن را بشنوید و از غوغای کلماتِ ضدونقیض و پر از دروغی که بعد از آن به‌خورد ما داده شده است، لحظه‌ای فارغ گردید.

afgazad@gmail.com